

راهکارهای جذب سرمایه‌گذاران داخلی به صنعت نفت ایران

پول برای نفت

نگاه دکتر نرسی قربان، مدیر عامل شرکت نارکنگان و عضو هیأت تحریریه ماهنامه «اقتصاد ایران»

صد سال از شروع فعالیت صنعت نفت ایران می‌گذرد و در این مدت، میلیاردها دلار توسط شرکت‌های بین‌المللی نفتی و دولت ایران در میادین نفت و گاز سرمایه‌گذاری شده است. در عین حال، علاوه بر آن که ایران یکی از مهمترین کشورهای صادرکننده نفت است، در حوزه خلیج فارس و دریای خزر، بزرگترین مصرف‌کننده فرآورده‌های نفتی و گازی نیز می‌باشد. علیرغم همه این تحولات، هنوز شهروندان ایرانی نمی‌توانند برای توسعه منابع نفت و گاز کشور، مستقیماً مشارکت نمایند. ملی شدن صنعت نفت ایران در سال ۱۳۳۰ دست خارجی‌ها را از صنعت نفت ایران برای مدت کوتاهی قطع کرد و اگر چه ایرانیان توانستند چرخ صنعت را به تنهایی به گردش درآورند، ولی فشارهای سیاسی و اقتصادی بین‌المللی در شرایط آن زمان، مانع از به ثمر رسیدن کامل ملی شدن صنعت نفت شد. در سال‌های بعد و بالاخص پس از انقلاب اسلامی در ایران، کنترل کامل صنعت نفت در دست وزارت نفت قرار گرفت. اما دولت‌ها همواره مشارکت مردم ایران و بخش خصوصی را به بهانه قوانین موجود برناتافتند و در آن میزان که شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانستند در توسعه منابع نفت و گاز به صورت مختلف از جمله بیع متقابل مشارکت نمایند و سود سرشاری ببرند، ایرانیان در این باب دخالتی نداشتند. به هر حال، علیرغم آن که با بازنگری اصل ۴۴ قانون اساسی، اجازه مشارکت در صنایع پایین دستی نفت و گاز به ایرانیان اعطا شد، عدم وجود سازوکارهای لازم و فضای کسب‌وکار مناسب، نتوانسته است این مهم را به نحو مطلوبی محقق نماید. اگر فرض کنیم که مالک اصلی ذخایر نفت و گاز کشور، شهروندان فعلی و نسل‌های آینده این مرزوبوم هستند، مشارکت آنها در توسعه صنعت امری طبیعی است. دولت‌ها به بهانه حفاظت از این ذخایر، با مشارکت ایرانیان در درآمد طرح‌ها موافق نیستند، در حالی که خارجی‌ها می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

منافع دو جانبه

برای سرمایه‌گذاری در طرح‌های انرژی در افق چشم‌انداز، به طور کلی رقمی بیش از ۳۵۰ میلیارد یورو پیش‌بینی می‌شود که از این مقدار، حدود ۶۰ درصد آن می‌باید برای توسعه میادین نفت و گاز و تزریق به میادین نفتی هزینه شده و بقیه برای صنایع پایین دستی، صنایع گازبر، پتروشیمی و نیروگاه‌ها به کار گرفته شود. بدین ترتیب، در صنایع بالا دستی نفت و گاز، هر ساله به رقمی در حدود ۱۵ میلیارد یورو سرمایه‌نیاز است که با شرایط فعلی، قابلیت تأمین این رقم از خارج از کشور وجود ندارد. اگر قسمتی از این نیاز بتواند از مشارکت ایرانیان در این طرح‌ها

آن که وام‌دهندگان، هر ساله سود مناسبی را در رابطه با این مشارکت به یورو دریافت خواهند کرد، شرکت ملی نفت نیز موفق به افزایش تولید گاز می‌گردد و دولت هم پس از بازپرداخت وام و سود آن از سال هفتم به بعد کلیه منافع طرح را در اختیار خواهد داشت. در رابطه با فاینانس طرح‌های مذکور، مهمترین مواردی که می‌بایست در روش مشارکت ملی در نظر گرفته شود، عبارتند از:

- کل فاینانس از طریق اوراق مشارکت یورو با تضمین‌های لازم به مدت هفت سال با اولویت خرید به ایرانیان داخل کشور و در صورت کمبود تقاضا به مشتریان خارج از ایران ارایه خواهد شد.
- سود ۱۲ درصد، هر ساله به حساب وام‌دهندگان داخلی به یورو واریز خواهد شد.
- وام‌دهنده می‌تواند در صورت نیاز، سود سالانه را در بانک‌های رسمی کشور به ریال تبدیل نماید.
- اوراق مشارکت قابل انتقال می‌باشد و از آن می‌توان برای تضمین‌های مورد نیاز برای طرح‌های دیگر و یا صادرات و واردات استفاده نمود.
- در سال هفتم، کل مبلغ به اضافه سود سال هفتم به حساب وام‌دهنده منتقل می‌گردد.
- سود این مشارکت حدود ۱۲ درصد - با در نظر گرفتن یورو - خواهد بود. برای تشویق اشخاص حقیقی و حقوقی در ایران، می‌توان سود مشارکت را برای خارج از کشور ۸ درصد تعیین نمود و بدین ترتیب، مشارکت را از طریق بانک‌های داخلی رونق بخشید.
- راهکارهای لازم برای رسیدن به این اهداف، نیاز به بررسی دقیق و بعضاً قانون‌گذاری دارد که به شرح ذیل می‌باشند:
- هر کدام از طرح‌های توسعه فازهای پارس جنوبی و یا میادین نفتی مدنظر را به صورت یک پروژه جدا مورد بررسی قرار داده و سود حاصل از آن، در طول زمان بهره‌برداری تخمین زده شود.
- بر مبنای این برآوردها، نیاز ارزی طرح‌ها برآورد شده و قسمتی از آن که شرکت‌های خصوصی و یا اشخاص حقیقی می‌توانند در آن مشارکت کنند، اعلام گردد.
- به شرکت‌های خصوصی و اشخاص حقیقی اجازه داده شود که ریال خود را در بانک‌های کشور رسماً برای سرمایه‌گذاری در این طرح‌ها با نرخ روز به یورو تبدیل نمایند.
- مبالغ جمع شده به صورت وام برای انجام پروژه به کار گرفته شود.
- باید مکانیزمی شفاف برای هزینه‌های طرح، نحوه اجرا و مدیریت طرح، تدوین شود تا سود پیش‌بینی شده را به دست آورد.
- سود حاصله از این طرح‌ها، منافع اشخاص حقیقی و حقوقی خواهد بود که مشمول قوانین مالیاتی کشور نیز می‌گردد.
- سود حاصله می‌باید به مراتب جذاب‌تر از امکان به دست آوردن منافع مشابه در خارج از ایران باشد. در غیر این صورت، جذب سرمایه‌گذاری‌ها موفق نخواهد بود. (مثلاً

- به دست آید، منافع ذیل را به دنبال خواهد داشت:
- جلوگیری از فرار سرمایه از کشور
- جذب سرمایه ایرانیان خارج از کشور
- جذب سرمایه از کشورهای حوزه خلیج فارس
- جلوگیری از افزایش تورم به علت سرازیر شدن ریال‌های سرگردان به بخش‌های غیر تولیدی
- افزایش درآمد خزانه از مالیات بر منافع این سرمایه‌گذاری‌ها
- تسریع در طرح‌های توسعه نفت و گاز ایران.



طرح‌های توسعه نفت و گاز، سود کلانی را به دنبال دارند. در گذشته دولت اجازه داده است که سود شرکت‌های نفتی از این طرح‌ها، سالانه بین ۱۱ تا ۲۲ درصد باشد. البته سود واقعی طرح‌ها به مراتب بیشتر است. مثلاً در هر فاز پارس جنوبی - که احتمالاً حدود ۲ میلیارد یورو هزینه دارد - روزانه ۴۰ هزار بشکه میعانات گازی تولید می‌شود که ارزش آن بر مبنای قیمت‌های فعلی - نفت ۴۵ دلار - روزانه ۱/۶ میلیون یورو است. اگر ۲۵ میلیون متر مکعب گاز تولیدی را هم بر مبنای ۵۰ تومان در هر متر مکعب (۰/۰۴ یورو) در نظر بگیریم، ارزش گاز حاصله در روز برابر یک میلیون یورو خواهد بود. با در نظر گرفتن ارزش گازهای تولیدی دیگر، مانند اتان، پروپان، بوتان و تولید گوگرد، ارزش حاصله از بهره‌برداری هر فاز پارس جنوبی در حدود ۲/۸ میلیون یورو در روز و یا حدود یک میلیارد یورو در سال خواهد شد. مدت زمان مورد نیاز برای احداث سکوها، حفر چاه‌ها و پالایشگاه‌های گاز نیز بین ۳ تا ۴ سال می‌باشد. لذا از آغاز تولید، در کمتر از چهار سال اصل وام و سود مربوطه قابل پرداخت خواهد بود. بدین ترتیب، علاوه بر



امکان پذیر است، تبعاتی را که بر مبنای آن قراردادهای مشارکت قابل اجرا نیست - مانند سهم داشتن در ذخایر زیر زمینی نفت و گاز - شامل نمی شود و طبق قوانین ایران، شرکت صرفاً در منافع تولید منابع شریک است نه در ذخایر. اگر سرمایه لازم برای توسعه میدان نفت و گاز ایران از این طریق تأمین شود، دولت منابع خود را می تواند به طرح های زیربنایی دیگر مانند بهداشت و آموزش اختصاص دهد و ایرانیان نیز می توانند از منافع ایجاد شده در توسعه نفت و گاز کشورشان بهره مند شوند. برای به انجام رساندن این مهم، تغییر ساختارهای موجود و وضع قوانین جدید لازم می باشد. مطالب فوق که به صورت یک ایده کلی ارائه گردیده است، می باید با نظر کارشناسان مالی بانک ها و مقامات مسؤول به صورت جدی بررسی شود. ■

۱۲ درصد سود سالانه در شرایط فعلی برای یورو - با در نظر گرفتن آن که مالیات بر منافع اشخاص حقیقی و حقوقی می تواند حداکثر ۲۵ درصد باشد - مناسب است)

● دولت اصل پول سرمایه گذاران را به یورو و حداقل سود پیش بینی شده آنان را از طریق بانک های داخلی و بین المللی تضمین کند.

در آینده شاید بتوان به عوض وام، سرمایه گذاری مستقیم مردم ایران را در طرح های مشخصی که در غالب یک شرکت و یا حضانت شرکت ملی نفت ایران باشد، پیگیری نمود. در چنین شرایطی، سرمایه گذاران ریسک عملیات را نیز خواهند داشت ولی در عوض، در طول عمر طرح منافع قابل توجهی را به دست خواهند آورد. این مهم که به استناد قانون اساسی در غالب قراردادهای مشارکت با خارجیان قابل اجرا نمی باشد، برای ایرانیان مقیم کشور

نفت و پتروشیمی در ایران

مزیت های استراتژیک انرژی

مصاحبه اختصاصی ماهنامه «اقتصاد ایران» با مهندس محمدحسن پیوندی، مدیر برنامه ریزی و توسعه شرکت ملی صنایع پتروشیمی

اقتصاد ایران: آقای مهندس! به نظر شما مهمترین مشکلاتی که در حوزه مالی و صنعتی برای کشور ما بر اثر بحران اخیر به وجود آمده، چه می باشند؟

در شرایط بحران اقتصادی، معتقدم می باید تمرکز تصمیم سازان و مسؤولان کشور بر محور تبدیل تهدید به فرصت قرار بگیرد و روی یک نقطه تمرکز داشته باشند، چراکه بحران اقتصادی یک تهدید است و باید این تهدید را به فرصت تبدیل کرد. کشور ما برای مقابله با بحران از پشتوانه بالایی برخوردار است. باید این مهم را قبول کنیم که گریزی از بحران نداریم. بحران جاری، قیمت نفت را تحت تأثیر قرار داده و با توجه به این حقیقت که ۶۰ تا ۶۵ درصد اقتصاد کشور ما وابسته به نفت است، این مسأله اهمیت بیشتری پیدا می کند.

اگرچه ممکن است بحران در کشورهای نفتی از طریق کانال مالی و بازار سرمایه انتقال پیدا نکند، ولی این کشورها با اثرپذیری از قیمت نفت و رکود نفتی به هیچ وجه از بحران ایمن نخواهند بود. این موج به هر حال از سر ما هم خواهد گذشت. امیدواریم این موج، اثر منفی کم و سرعت زیادی برای عبور داشته باشد.

البته این نکته هم حایز اهمیت است که این بحران حتی ممکن است ۵ سال به طول بی انجامد اما نکته ای که من می خواهم روی آن تأکید کنم، همین عدد ۵ سال است، چرا که این ۵ سال، عمر اجرای یک پروژه است و در واقع همان شاه کلید تبدیل تهدید به فرصت می باشد. به همین منظور لازم است طی ۵ سال آینده، پروژه های زیربنایی را اجرا کنیم و این پروژه ها را به عنوان اولویت پروژه های در دست بررسی قرار دهیم.

مهندس محمدحسن پیوندی، مدیر برنامه ریزی و توسعه شرکت ملی صنایع پتروشیمی

حتی شاید لازم باشد در برنامه های چشم انداز ۲۰ ساله هم - با توجه به شرایط کنونی - کمی تغییر ایجاد کنیم. چراکه در زمان تدوین برنامه چشم انداز ۲۰ ساله، چنین بحرانی پیش بینی نشده بود.

باید سعی کنیم پروژه هایی را اجرا کنیم که خیلی به منابع خارجی وابسته نباشند و بتوان آنها را با منابع داخلی به اجرا رساند. فکر می کنم باید اولین اولویت سرمایه گذاری را روی منابع آبی قرار داد. باید نهایت توان را در احداث سد ها به کار بست و با فعالیت های عمرانی، آب را از مکان هایی که امکان هدر رفتن دارند، به مناطق نیازمند انتقال دهیم. تنها با آب و آب رسانی می توانیم شرق کشور را آباد کنیم. به عنوان مثال، با استفاده از ورودی کارون به خلیج فارس و با احداث یک خط لوله، می توان بخشی از آب کارون را از محل ورودی خلیج فارس به استان های کویری نظیر سیستان و بلوچستان، کرمان، یزد و جنوب خراسان انتقال داد.

همان طور که منابع انرژی فسیلی از اهمیت برخوردارند، منابع آبی هم باید مهم تلقی شوند که در این زمینه، منابع برق آبی اهمیت زیادی دارند. البته این مسأله به فن آوری عجیبی نیاز ندارد.

موضوع بعدی سهم ذغال سنگ در تولید انرژی است. با توجه به این که ایران دارای ذخایر فراوانی از ذغال سنگ می باشد، باید برای افزایش تولید انرژی، سهم این حامل را در این فرایند افزایش دهیم. به عبارتی نیروگاه های ذغال سنگی را به سطح کشورهایی همچون چین برسانیم.

مسأله دیگر، توسعه راه ها است که البته در سند برنامه هم دیده شده است. من قبلاً پیشنهادهایی را بر

این مبنا داده بودم که بر اساس نیروگاه های سیکل ترکیبی و با استفاده از منابع گازی پارس جنوبی، نیروگاه های سیکل ترکیبی گازی را در مناطقی که آب کافی برای اداره این نیروگاه ها وجود دارد، احداث کرده و یک شبکه برق مستقل برای اداره راه آهن های مدرن ریلی، مستقل از شبکه برق مصرفی خانگی و صنعتی ایجاد کنیم. به این وسیله انرژی هیدروکربوری منابع گازی پارس جنوبی را به پارامتر سرعت تبدیل می کنیم. به این ترتیب، با توجه به این که سوخت حمل و نقل سنگین کشور با استفاده از گازوئیل صورت می گیرد، میزان نیاز و مصرف گازوئیل کاهش می یابد، چراکه راه آهن های مدرن برقی جایگزین بخشی از حمل و نقل سنگین با سوخت گازوئیل خواهد شد و با توجه به این که قیمت گاز، منطقه ای بوده و قیمت گازوئیل جهانی است، با این عمل در مصرف و واردات گازوئیل صرفه جویی مناسبی صورت می گیرد و در درازمدت بخشی از هزینه های سرمایه گذاری برای راه آهن های مدرن جبران می گردد.

بنابراین، مجموع این طرح های زیربنایی باید ظرف این ۵ سال، مورد توجه و تمرکز قرار بگیرد، چراکه به همان نسبت که قیمت ها در اثر بحران مالی کاهش پیدا کرده اند، قیمت تجهیزات نیز تنزل یافته است. قیمت میلگرد، فولاد و ماشین آلات صنعتی که برای احداث زیرساخت ها لازم است، کاهش پیدا کرده اند و باید از این فرصت استفاده کنیم. زمانی که نفت کشور ما ارزان خریداری شود، ما نیز باید کالاهای آنها را ارزان خریداری کنیم. این سبب می شود که در داخل کشور، هم گردش پول در اقتصاد سرعت بگیرد و هم اشتغال ایجاد شود که به این ترتیب، تا حدودی از تأثیرات بحران مالی کنونی مصون بمانیم.

اقتصاد ایران: لطفاً در رابطه با نقش ذغال سنگ به عنوان یک حامل انرژی ارزان و فراوان در کشور توضیحات لازم را بفرمایید؟

در رابطه با نیروگاه های ذغال سنگی، تنها